



حالا دیگر هیچ حد و مرزی نداریم

فخری: هیچوقت فکرش را هم نمی کردم به اینجا برسیم

اگر قرار باشد در فاصله‌ی زمانی المپیک لندن تا توکیو، روند موفقیت رشته‌های مختلف را بررسی کنیم، بدون شک شمشیربازی و البته اسلحه‌ی سابر آن، یکی از موفق‌ترین‌ها خواهد بود. تیمی که پیمان فخری، آن را از نزدیکی نقطه‌ی صفر در اختیار گرفت و حالا یک تیم مدعی در سطح جهانی ساخته که بیشترین سهمیه‌ی ممکن را برای المپیک توکیو کسب کرده است و از شانس‌های کسب مدال، چه در انفرادی و چه در تیمی است. اگر همه چیز به خوبی پیش برود، می‌تواند یکی از ماندگارترین و مهم‌ترین مدال‌های تاریخ ورزش ایران در المپیک را به گردن بیاورد. گفت‌وگوی ما با پیمان فخری هم با همین روند هشت، نه ساله آغاز شد و رسیدن به جایگاه فوق العاده‌ای که شاید به این سادگی‌ها ممکن نباشد.

ضربه که مدال را از او گرفت.

و حالا؟

حالا دیگر هیچ حد و مرزی برایمان وجود ندارد. آنقدر روز و شب تمرین کردیم و در مسابقات مختلف جهانی، تمام قدرت‌ها و بازیکنان نامدار دنیا را بردیم که دیگر کسب هر نتیجه‌ای برایمان ممکن است و مدام فکر می‌کنیم از برنامه عقب افتادیم.

نقش پیمان فخری را در این موفقیت‌ها چقدر می‌دانید؟

اندازه گرفتنی نیست، اما خب خیلی‌ها لطف دارند و این موفقیت‌ها را به حضور من ربط می‌دهند. در حقیقت من هم خیلی کار کردم، اما معتقدم نسل خیلی خوبی هم نصیب‌ام شد که مثل یک سرباز تمام فشارها را تحمل می‌کنند. البته نتیجه‌اش را هم دیدند و به‌همین خاطر، زیر شدیدترین فشارها

به اینجا برسیم. گاهی فکر می‌کنم و از خودم می‌پرسم من تا کجا آمده‌ام؟ انتهای آرزوهای من در آن زمان، فتح آسیا و بردن چین و کره بود. نمی‌توانم احساس امروز را برایتان شرح بدهم چون هیچوقت فکرش را هم نمی‌کردم روزی برسد که تیم‌هایی نظیر ایتالیا و روسیه را ببریم. هروقت به عقب برمی‌گردم، از خودم می‌پرسم واقعا چه اتفاقی افتاد؟

آن هم در زمان خیلی کم!

همینطور است. چنین موفقیت‌هایی در هر رشته‌ای شاید امکان‌پذیر باشد، اما نه در مدت سه، چهار سال. ما واقعا در چهار سال جهش عجیب و غریبی داشتیم. عابدینی در المپیک ۲۰۱۲ لندن در بین ۳۷ شرکت‌کننده، نفر آخر شد. با این حال در فاصله‌ی چهار سال، در ریو بین ۳۵ نفر، چهارم شد، آن هم با آن وضعیت و از دست دادن یک

قبل از المپیک ۲۰۱۲ لندن و آخرین رقابت انتخابی که قرار بود در سطح آسیا برگزار شود، شرایط به شکلی بود که علی یعقوبیان، به‌عنوان نفر برتر اِپه‌ی ایران، شانس زیادی برای کسب سهمیه داشت و با یک برنز هم المپیکی می‌شد. عابدینی اما باید فقط طلا می‌گرفت و خیلی هم شانس‌ی برایش قائل نبودند. در نهایت آن سهمیه‌ی تاریخی را گرفت، اما سهمیه‌ی سابر ایران منحصر به خود او بود و نفر دومی هم وجود نداشت. امروز اما به جز او، علی پاکدامن بارها به جمع هشت بازیکن برتر دنیا راه پیدا کرد و چهار، پنج بازیکن دیگر که همگی در سطح بالایی شمشیر می‌زنند. آن روزی که مربیگری در تیم ملی سابر را شروع کردید، تصور می‌کردید هشت، نه سال بعد اینجا ایستاده باشید؟ هیچوقت فکرش را هم نمی‌کردم

اعتراضی نمی‌کنند.

و حالا قرار است به سومین المپیکتان، به همراه عابدینی بروید.

بله. گاهی فکر می‌کنم من با این سن کم قرار است به‌عنوان سرمربی، سومین المپیک‌ام را تجربه کنم. میانگین سنی هفت مربی دیگری که قرار است با آنها در توکیو رقابت کنیم، شاید شصت سال را هم رد کنند و البته پنج، شش المپیک را هم دیدند. در مجموع، تمام مربیانی که در این سطح کار می‌کنند، بالای شصت سال سن دارند، اما من نمی‌دانم که چطور شد در این سن قرار است سومین المپیک را تجربه کنم. این چند سال مثل برق و باد گذشته است.

پس از ریو و آن ماجراهای داوری و حواشی، بازگرداندن عابدینی و در نهایت رساندن‌اش به جایی که برنز قهرمانی جهان را بگیرد، پروسه‌ی عجیب و سختی بود. اینطور نیست؟

عابدینی پس از المپیک ریو، افت محسوسی داشت و خیلی هم از او انتقاد شد. همه می‌گفتند او تمام شده، اما من تنها کسی بودم که اعتقاد داشتم او برمی‌گردد و در نهایت هم برگشت. با این حال بعد از جاکارتا، بدون هماهنگی با ما گفت که می‌خواهد خداحافظی کند، اما خودش پشیمان شد و برگشت.

برگشت تا حق‌اش را از شمشیربازی بگیرد؟

من که همان موقع که برگشت، به او گفتم تو هنوز به حقات در ورزش نرسیده‌ای. سال گذشته و